۴۰۰۰ کتاب قاچاق دست ۱۱ کتابفروش

۱۱ دستفروشی که هفته گذشته توسط پلیس امنیت تهران دستگیر شده‌اند، ۴۰۰۰ عنوان کتاب قاچاق و غیرمجاز در بساط‌شان داشته‌اند، این دستفروشان هرکدام خود شبکه‌ای از قاچاق کتاب را در شهرستان‌ها نیز مدیریت می‌کرده‌اند. انبارهایی که طی یکی دو سال اخیر کشف شدند، نشان از گردش میلیاردی توزیع زیرزمینی نشر دارند. / تسنیم

انتشار آلبوم پاییز و بهاری در تابستان

«پاییز بهاری است که عاشق شده‌است» از سوی موسسه شهرستان ادب منتشر شد. این آلبوم شامل ۹ قطعه از اشعار میلاد عرفان‌پور است که با دکلمه وی، آواز نیما ثباتی و آهنگسازی علی قادری تدارک شده و به بازار آمده‌است. به گفته امیرحسین سمیعی، تنظیم‌کننده این اثر، «پاییز بهاری است که عاشق شده‌است» اولین اثر موسیقایی شهرستان ادب محسوب می‌شود. / فارس

از نفس افتاده

طراحان گرافیک، شاعران و اهالی موسیقی به جنبش «نمی‌توانم نفس بکشم» پیوسته و مقابل خشونت نژادی صف کشیده‌اند

صابر محمدی

ادبیات و هنر

آقای فایزی‌یر هیچ‌وقت فکرش را هم نمی‌کرد وقتی برای پیاده‌روی عصرگاهی از خانه‌اش در مینیاپولیس بیرون می‌آید تا خود را به هنپین برساند، شاهد آن هفت دقیقه نفسگیر باشد و مجبور شود در حالی که عادت کرده در این اوضاع ویروس‌زده گوشی تلفن همراهش را از جیب بیرون نیاورد، دست به کار شده و موبایلش را بگیرد دقیقا روبه‌روی صورت آقای درک چاوین که با زانو روی حلق آن مرد تنومند نشسته است. ناباوری و حتی ترس باعث نمی‌شود دقیقه‌ها را از دست بدهد و همه آن هفت دقیقه را ضبط می‌کند؛ ۴۲۰ ثانیه زجر، ۴۲۰ ثانیه رنج، ۴۲۰ ثانیه تا پایان نمایش سیاهِ برادرکشی.

حالا لابد می‌دانید از چه سخن می‌گوییم؛ چند روزی است نه فقط در همان ایالت مینه‌سوتا و شهر مینیاپولیس بلکه اغلب ایالات متحده صحنه خروش اعتراض مقابل خشونت علیه اقلیت‌های نژادی است. طوری خیابان را قرق کرده‌اند که این بار ظاهرا می‌خواهند کار را یکسره کنند و بگویند با توجه به تکرار چندباره صحنه‌هایی مشابه، دیگر تاب تحمل این صحنه‌ها را ندارند. حکم تیر دونالد ترامپ را به هیچ گرفته‌اند. آنها دیگر رئیس جمهور کله‌شق‌شان را خوب می‌شناسند اما شناخت، گاهی هم هراس را به تعویق می‌اندازد.

جالب اینجاست که مورد جدید خشونت مرگبار علیه جورج فلوید سیاهپوست، بسیار بسیار شبیه مورد پیشینی است که آن هم بسیار سر و صدا به پا کرد. ۱۷ جولای ۲۰۱۴، اریک گارنر در تامپکینسویل کنتاکی، محله‌ای از استیتن آیلند نیویورک به علت فشردن گردن و قفسه سینه به دست یک افسر پلیس به قتل رسید. این تنها شباهتِ جورج با اریک نیست؛ آنها هر دو در حالی که به سختی زیر زانو و بازوی پلیس نفس می‌کشیده‌اند، گفته‌اند: «من نمی‌توانم نفس بکشم». همین گزاره مکرر، حالا همان جنبش سابق با همین عنوان را فعال کرده است. یک شباهت دیگر هم هست. اریک محافظ پارک و فضاهای تفریحی شهر نیویورک بود و ۴۳ ساله، جورج هم همین سن و سال را داشت و او هم محافظ یک باشگاه شبانه بود. این تصاویر مشابه، حالا امید آمریکایی‌ها برای ریشه‌کن‌کردن خشونت علیه اقلیت‌های نژادی را کم‌رنگ کرده‌است، با این حال آنها هنوز در خیابان‌ها هستند و با همین امید کمرنگ، فریاد خشمشان را بر سر نژادپرستان و مسؤولانشان می‌کشند.

اما ما در این صفحه هنر و ادبیات با ماجرای خشم آمریکا چه کار داشته‌ایم؟ رفته‌ایم سراغ چند کارتون، چند طرح گرافیکی، یک موزیک‌ویدئو و یک شعر. اینها را از بین واکنش‌های متعدد هنرمندان به این فاجعه جدید برگزیده‌ایم.

عکس

بر فراز سی‌ان‌ان

این عکس را میک استوارت برای آژانس عکس معروف AP گرفت؛ درست لحظه‌ای که آن مرد سیاهپوست از روی لوگوی سی‌ان‌ان بالا رفت تا مخالفتش را با بازداشت خبرنگاران این رسانه فریاد کند. خبرنگارهایی که برای پوشش فاجعه رفته بودند. در آزادی پوشالی رسانه‌ها در عصر ترامپ.

کارتون

میک لوکوویچ این کارتون را برای آتلانتا ژورنال کشید؛ ظاهرا چیزی به تصویر واقعی، آنچنان‌که از کارتون و کارتونیست‌ها انتظار داریم، افزوده نشده اما این کارتونیست با همین هدف، کارتونش را خلق کرده. او در واقع خواسته بگوید یک حقیقت تلخ، دیگر از این اغراق‌شده‌تر نمی‌توانسته روی بدهد. فاجعه آن‌قدر اغراق‌آمیز بوده که نیازی به اغراق مرسوم کارتونیست‌ها نباشد.

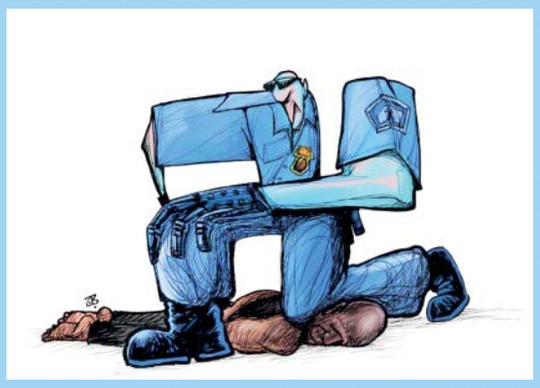

مغزهای کوچک زنگ‌زده

عماد حجاج اما از واقعیت ماجرا در تکنیک فراتر رفته و دو هیبت دیگرگون از پلیس و قربانی را به تصویر کشیده است. در کارتون این کارتونیست اماراتی، سر پلیس تناسبی با بدن بزرگش ندارد و این تکنیکی است که برای تحقیر کوچک‌مغزی دیگران استفاده می‌شود.

گرافیک

سایه شوم پرچم

الیزابت بروکوی، این طرح را برای مقاله‌ای زد که برت هولمز برای دیلی‌بست نوشت. می‌بینیم که پرچم ایالات متحده در حال پایین‌آمدن است و در عین حال سایه‌ای که روی زمین انداخته، سایه پرچم نیست؛ همان شعار و هشتگ معروف این روزهاست: «نمی‌توانم نفس بکشم.» آخرین جمله‌ای که از گلوی جورج فلوید، سیاهپوست زیر زانوی وقیح پلیس بیرون آمد.

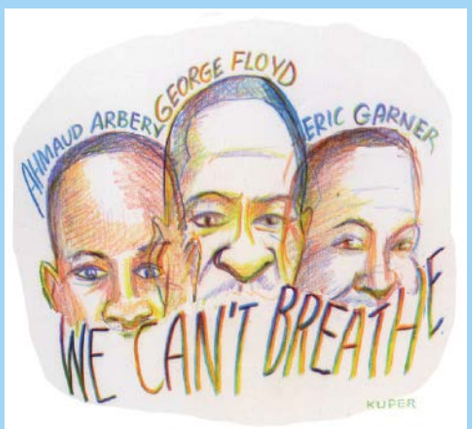

سیاه، مثل دوستانت

پیتر کوپر در طراحی‌اش همان مساله‌ای را دیده که ما هم در مقدمه گزارش‌مان به آن اشاره کردیم؛ به قرابت و شباهت قتل‌های اخیر سیاهپوست‌های آمریکا به دست پلیس. او سه نفر از آنها را کنار هم نشانده و در پولیتیکال کارتونز منتشر کرده است.

هم‌روزگاری با کرونا

هشتگ «نمی‌توانم نفس بکشم» در هم‌روزگاری با ویروس کرونا که ماسک روی صورت همه است و فی‌نفسه نفس‌کشیدن سخت شده، بسیاری از هنرمندان را به ایده خلق اثر با این شعار و ماسک رسانده است.

پرچم با خون سیاهان

آواکو ایووگیچ، این طرح خارق‌العاده را برای رسانه کی.ان.ای خلق کرده است؛ جرج فلوید را روی زمین می‌کشند و خون او و دو سیاه‌پوستی که پیش از او در سال‌های اخیر به دست پلیس ایالات متحده کشته شدند، پرچم آمریکا را ترسیم می‌کند.

موسیقی

شعر شیاطین

برای تولید موسیقیِ واکنشی و اعتراضی شاید هنوز زود باشد. به هر حال آنها باید گروهی جمع کنند از ترانه‌نویس، آهنگساز، خواننده و تنظیم‌کننده و هماهنگ‌کننده با هم و حالا فقط چند روزی از ماجرا گذشته است. اما در این میان دکس، خواننده آمریکایی کار را یکسره کرده و تنهایی همه کارهای یک موزیک‌ویدئو را انجام داده است. او در بخش‌های آغازین این قطعه‌اش خوانده:

«تا حالا حس کردی که وزنی روی سینه‌ات سنگینی کنه؟
طوری که حس کنی دیگه نمی‌تونی نفس بکشی؟
من این حس رو داشتم
من نمی‌تونم نفس بکشم
در حال پیدا کردن تعادل بین خواسته‌ها و نیازهام هستم
دارم با خدا بازی می‌کنم
اما به نظر می‌رسه این شیاطین هستند که ماجرا رو به جلو پیش می‌برند
خیلی حرف برای زدن دارم، اما یکی با عصبانیت در گوشم می‌گه: صحبت نکن
من روی زمین زندگی می‌کنم
اما بالاخره یک روز تصمیم می‌گیرم با رویاهام زندگی کنم